



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت

امام هادی علیه السلام

سید محمد طاهر هاشمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت - امام هادی (ع)

نویسنده:

محمد طاهر هاشمی شافعی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهش‌های اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | مناقب اهل بیت علیهم‌السلام از دیدگاه اهل سنت - امام هادی (ع) |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | فضایل و مناقب حضرت امام علی الهادی العسکری |
| ۹ | پاورقی |
| ۱۰ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت - امام هادی (ع)

مشخصات کتاب

سرشناسه: هاشمی سیدمحمدطاهر، ۱۲۹۲ - ۱۳۷۰.

عنوان و نام پدیدآور: مناقب اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت تالیف محمدطاهر هاشمی شافعی به اتمام و با مقدمه سیدناصر حسینی میبدی

مشخصات نشر: مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۸.

مشخصات ظاهری: چهل و پنج، ۴۶۲ ص: عکس

شابک: ۱۵۰۰۰ ریال ۰-۲۱۸-۴۴۴-۹۶۴؛ ۷۱۰۰۰ ریال چاپ سوم ۹-۴۸۶-۴۴۴-۹۶۴-۹۷۸:

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی M.T.Hashemi Shafee. The hagiography of Holy prophet's family from the view -point of the sunni sect

یادداشت: چاپ دوم ۱۳۸۱.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۹.

یادداشت: کتابنامه ص. [۴۵۷] - ۴۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: چهارده معصوم -- مدایح و مناقب

موضوع: چهارده معصوم -- احادیث اهل سنت

موضوع: خاندان نبوت -- احادیث اهل سنت

شناسه افزوده: حسینی میبدی، سیدناصر

شناسه افزوده: حسینی مرعشی میبدی سید ناصر، ۱۳۳۷، - گردآورنده، مقدمه نویس

شناسه افزوده: بنیاد پژوهش‌های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۷۸ م ۲۴۵/BP۳۶

رده بندی دیوبندی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۸-۲۱۸۶۴

فضایل و مناقب حضرت امام علی الهادی العسکری

از صواعق شیخ ابن حجر: او را عسکری می گویند زیرا به صورت تبعید و اجبارش از مدینه به سامرا آوردند و در آنجا سکونت دادند، و سامرا را عسکر می گفتند و بنابراین به عسکری شهرت یافت. [۱]. آن حضرت در علم و سخا و سایر صفات رفیع و سجایای عالی و وارث والد ماجد خود بود، و از اینجاست که اعرابی از اعراب کوفه پیش آن حضرت آمد و گفت: من از متمسکین به ولایت جد توام و دینی بر من سوار شده که بس سنگینی می کند و از حمل آن عاجزم و جز تو به کسی برای تأدیه آن امید ندارم، فرمود مبلغ چند است؟ گفت: ده هزار درهم. فرمود دلخوش دار به اداء آن انشاء الله تعالی. آنگاه امام علی الهادی سلام الله تعالی علیه ورقه‌یی برای اعرابی مرقوم فرمود که این مبلغ به وی بدهکار است و او را فرمود: در مجلس عام نزد من [صفحه ۲۴۶] بیا و مبلغ طلب خود را با غلظت و شدت از من مطالعه کن. آن مرد چنین کرد امام هادی سلام الله علیه از وی سه روز مهلت خواست. این خبر به متوکل رسید آن حضرت را سی هزار درهم بفرستاد چون دراهم برسد امام همه آن را به اعراب بخشید، او عرض کرد:

یا ابن رسول الله ده هزار درهم قرض مرا اداء می کند. امام چیزی از سی هزار درهم از وی کم نفرمود. اعرابی سی هزار درهم را برداشت و رفت و می گفت: الله اعلم حیث يجعل رسالاته. [۲] در قضیه‌ی درندگان درست آن است که متوکل امام هادی علیه السلام را بدان بیازمود و سباع در مقابل آن حضرت خضوع کردند و بر گردش بر زمین خشوع افتادند. [۳]. وفات امام هادی علیه السلام در سامرا بود در جمادی الاخر سال دو صد و پنجاه و چهار از هجرت و در خانه‌ی خود دفن گردید و چهل سال از سن مبارکش می گذشت. متوکل او را در سال دویست و سی و سه از مدینه به سامرا آورد و تا پایان حیات همان جا بود. [۴] اولاد آن حضرت چهار کس بودند از آن ذکور و اناث. [۵] صواعق شیخ ابن حجر ص ۱۲۶ / ۱۲۷ نقل از شواهد النبوه‌ی مولانا عبدالرحمن جامی: علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر رضی الله عنهم، وی امام دهم است [صفحه ۲۴۷] کنیت وی ابوالحسن است، و وی را ابوالحسن ثالث گفتندی، و لقب وی هادی و به عسکری مشهور است [۶]، مادر وی ام ولد بوده سمانه نام. و قیل ان امه ام الفضل بنت المأمون. [۷] ولادت وی در مدینه بوده سیزدهم ماه رجب سنه اربع عشر و مأتین و وفات وی در زمان منتصر بود در سر من رأی از نواحی بغداد در روز دوشنبه از اواخر ماه جمادی الاخر از سنه‌ی اربع و خمسين و مأتین و قبر وی هم در سرای وی است که در سر من رأی داشت. [۸] و قیل ان مشهد علی الهادی بقم و لیس بصحیح و انما الصحیح ان مشهد فاطمه بنت موسی بن جعفر بن محمد رضی الله عنهم ببلده قم، نقل عن الرضا علی بن موسی رضی الله عنهما انه قال من زارها دخل الجنة [۹]. در مناقب هادی آمده که روزی به یکی از دههای نواحی سر من رأی رفته بود اعرابی وی را طلب کرد گفتند که به فلان ده رفته است، در عقب وی رفت، چون به وی رسید از اعرابی پرسید که: به چه حاجت آمده‌یی؟ گفت: من از آنانم که بولای جد تو علی بن ابی طالب تمسک نموده‌اند، مرا دین عظیم که از ادای آن عاجزم بار آمده است. و غیر از تو هیچ کس نمی دانم که آن را از گردن من بردارد وی را فرمود که خاطر خویش خوش دار، و وی را فرود آورد چون بامداد کرد اعرابی را گفت با تو سخنی خواهم گفت می باید که در آن مخالفت من نکنی، اعرابی گفت نکنم [صفحه ۲۴۸] هادی به دست مبارک خود خطی نوشت مضمون آن که اعرابی را مبلغ کذا که عبارت از دین وی بود در ذمه‌ی وی دین است و فرمود که خط را بستان چون من بسر من رأی مراجعت کنم پیش من آی و چون در میان جماعتی نشسته باشم طلب دین خود کن و با من سخن درشت گوی. البته می باید که در این امر مخالفت نکنی. اعرابی گفت نکنم و خط را گرفت، چون هادی رضی الله عنه بسر من رأی باز آمد و جمعی کثیر از اصحاب خلیفه و غیرهم پیش او حاضر آمده بودند آن اعرابی حاضر شد و خط را بیرون آورد و چنانچه هادی رضی الله عنه وصیت کرده بود مطالبه نمود، و هادی نرم نرم سخن می گفت و اعتذار می نمود و وعده‌ی ادای آن می کرد. خبر آن به متوکل رسید فرمود که سی هزار درم پیش وی برند، چون پیش وی آوردند نگاه داشت تا آن اعرابی آمد، فرمود که این بگیر و دین خود را ادا کن و آنچه زیادت آید بر عیال خود نفقه کن و ما را معذور دار. اعرابی گفت: یا ابن رسول الله، والله که آنچه من امید می داشتم از ثلث آنچه دادی کمتر بود. لکن: الله اعلم حیث يجعل رسالاته. [۱۰]. و از آن جمله آن است که: متوکل بیمار شد و جرحی بیرون آورد که اطباء از علاج آن عاجز آمدند و مشرف بر موت شد، و مادر متوکل نذر کرد که اگر متوکل شفا یابد مال بسیار از خاصه‌ی خود به هادی رضی الله عنه فرستد. روزی فتح خاقان که از مقربان درگاه متوکل بود گفت کسی پیش هادی می باید فرستاد شاید که وی چیزی داند که این را نفع رساند، کسی پیش وی فرستادند، هادی رضی الله عنه [صفحه ۲۴۹] فرمود که فلان چیزی را بر آنجا نهد که نفع خواهد رسید به اذن الله تعالی. چون آن خبر به مجلس متوکل آوردند بعضی از حاضران استهزاء کردند و بخندیدند. فتح بن خاقان گفت: تجربه کردن زیان نمی دارد، و از آن چیز را حاضر کردند و بر جرح وی نهادند منفجر شد و آنچه در آن بود بیرون آمد، خبر شفای متوکل به مادرش بردند ده هزار دینار در صره کرد و مهر خود را بر آن نهاد و به هادی رضی الله عنه فرستاد و متوکل تمام شفا یافت. چون از این واقعه روزی چند برآمد کسی سعایت کرد و با متوکل گفت که در خانه‌ی هادی مال بسیار و سلاح بی شمار است. متوکل سعید حاجب را گفت: می باید نیمه شب به خانه‌ی وی در آیی آنچه از اموال و سلاح بیابایی بگیری و

آنرا بیاری، سعید حاجب گفته است که نردبان با خود همراه بردم نیمه شب به بام وی بالا رفتم و به دریچه سرای وی فرود آمدم تاریخ بود ندانستم که کجا می‌باید رفت ناگاه از درون سرای آواز هادی رضی الله عنه برآمد که ای سعید به جای خود باش تا شمعی بیاورند چندان برنیامد که شمع آوردند، فرود آمدم و پیش وی رفتم و وی را یافتم جامه‌ی پشمین در برو کلاه پشمین بر سر و سجاده‌ی از حصیر زیر پای و متوجه قبله نشسته بود، فرمود که خانه‌های ما پیش تست در آی. به خانه‌ها در آمدم از آنچه گفته بودند هیچ نیافتم غیر از آن صره که مادر متوکل به وی فرستاد و همچنان سر به مهر بود، و کیسه‌ی دیگر با آن و آن نیز سر به مهر بود، بعد از آن هادی رضی الله عنه فرمود که این مصلی نیز پیش تست بین، آن را بالا داشتم وزیر آن شمشیری بود در غلاف همه را گرفتم و پیش متوکل بردم، چون متوکل آن صره را به مهر مادر خود دید از کیفیت آن استفسار کرد، گفتند که آن را در وقت [صفحه ۲۵۰] مرض تو نذر وی کرده بود، متوکل فرمود که یک صره‌ی دیگر به آن ضم کردند و کیسه و شمشیر را به وی باز فرستاد. سعید حاجب گفته است که آنها را پیش وی بردم، شرمندگی یا سیدی بسیار بر من دشوار بود که بی‌اذن به سرای تو در آمدم و لکن مامور بودم که [۱۱]: و سيعلم الذين ظلموا ای منقلب ینقلبون. [۱۲]. و از آن جمله آن است که: چون متوکل وی را از مدینه به عراق طلبید بصرم رأی رسید وی را در منزلی فرود آوردند که آن را خان الصعا لیک می‌گفتند و جای ناخوش بود، یکی از محبان وی که وی را صالح بن سعید نام بود بروی در آمد و گفت یا ابن رسول الله جعلت فداک، این جماعت در همه‌ی امور اخفاء نور ثومی خواهند که ترا در این منزل پر وحشت فرود آورده‌اند. فرمود که ای ابن سعید تو هنوز در این مقامی. پس به دست مبارک خود اشارت کرد، دیدم که به غایت باغهای خرم و جویهای روان در قصرهای فیها خیرات حسان و ولدان کأنهم اللؤلؤء المکنون ظاهر شد. حیرت بر من غالب شد، فرمود که ای ابن سعید ما هر جا که هستیم این با ماست. ما در خان الصعا لیک نیستیم. [۱۳]. و از آن جمله آن است که: شخصی گفته است مرا فرزندی در راه بود از وی استدعای دعا کردم که آن فرزند پسر باشد فرمود که: چون متولد شود وی را محمد نام کن چون متولد شد پسر بود وی را محمد نام کردم. [۱۴]. [صفحه ۲۵۱] و از آن جمله آن است که: دیگری گفته است که مرا فرزندی در راه بود از وی التماس آن کردم که دعا کند تا پسر باشد، فرمود که بسیار دختر از پسر بهتر باشد، چون متولد شد دختر بود. [۱۵]. و از آن جمله آن است که شخصی از قاضی کوفه پیش وی شکایت کرد که مرا ایدای بسیار می‌رساند، فرمود که دو مه دیگر صبر کن، چون از آن سخن دو ماه برآمد قاضی را عزل کردند. [۱۶]. و از آن جمله آن است که: متوکل را خانه‌ی بود در وی مرغان بسیار که هر کس بدانجا در آمدی از اختلاف آوازهای ایشان نه سخن کسی توانستی شنید و نه کسی سخن وی، هر وقت که هادی رضی الله عنه به آن خانه در آمدی مرغان خاموش گشتندی، و چون بیرون آمدی آغاز آواز کردند. [۱۷]. و از آن جمله آن است که: مشعبی از هند پیش متوکل آمده بود و شعبده‌های غریب می‌نمود. روزی متوکل وی را گفت اگر شعبده‌ی پیش آری که دعای علی بن محمد را خجل سازی ترا هزار دینار بدهم، مشعبد گفت نانی چند تنک تنک بر مائده نهید و مرا به پهلوی وی بنشانید، چنان کردند هادی رضی الله عنه دست دراز کرد تا نانی بردارد آن مشعبد عملی کرد که آن از پیش دست او پیرید، سه بار این عمل کرد مجلسیان بخندیدند. در مجلس مصوره‌ی بود بر آن [صفحه ۲۵۲] صورت شیری کشیده، هادی رضی الله عنه اشارت کرد که به آن صورت که بگير این را آن صورت شیری شد و برجست و مشعبد را فرو برد، و باز به مصوره آمد، هر چند متوکل درخواست که مشعبد را باز گرداند قبول نکرد و فرمود که والله بعد از این هرگز وی را نبینید و دشمنان خدای بر دوستان وی مسلط نگردند، پس از مجلس بیرون آمد، و مشعبد را بعد از آن هیچ کس ندید. [۱۸]. و از آن جمله آن است که روزی در ولیمه‌ی اولاد خلفا بودند و جمعی کثیر به تعظیم و توقیر نشسته بودند، و در آن مجلس جوانی بود بی‌ادب که حق تعظیم وی به جا نمی‌آورد و سخن می‌گفت و می‌خندید، هادی رضی الله عنه روی بوی کرد و گفت: یا هذا تضحک بملاً فیک و تذهل عن ذکر الله و انت بعد ثلاث من اهل القبور. آن جوان از آن بی‌ادبها باز ایستاد، اما چون طعام خوردند و بیرون آمدند روز دیگر بیمار شد و روز سیم وفات یافت. [۱۹]. و از آن جمله آن اس که روز دیگر در ولیمه‌ی یکی از اهل

سامره بود بی ادبی در مجلس سخنان بیهوده می گفت و حق تعظیم وی رعایت نمی کرد، فرمود این شخص از این طعام نخواهد خورد و از خانه خبری خواهد آمد که زندگانی را بر وی تلخ گرداند. چون طعام حاضر آوردند و آن شخص دست بشست و خواست که از آن طعام تناول کند غلام وی گریان و فریاد کنان از در آمد که مادر تو از [صفحه ۲۵۳] بام افتاده است و بر شرف موت است زودتر خود را به آنجا رسان باشد که وی را زنده دریابی، آن شخص طعام ناخورده برخاست و برفت. [۲۰]. نقل از کتاب نورالابصار: ذکر مناقب سیدنا علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین بن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم و سلام الله تعالی علیهم. ابن الخشاب در کتاب مواید اهل بیت گوید [۲۱]: امام ابوالحسن علی الهادی سلام الله تعالی علیه در مدینه به دنیا آمد برابر رجب سال دویست و چهارده از هجرت. مادرش ام ولد بود او را سمانه‌ی مغریه می گفتند، و جز این را نیز گفته‌اند. کنیه‌ی آن حضرت ابوالحسن، و القابش: هادی، متوکل، ناصح، نقی، مرتضی، فقیه، امین و طیب. و بیشتر به هادی شهرت داشت. یاران خویش را از تلقیش به متوکل نهی می فرمود که خلیفه‌ی وقت را لقب این بود. اسم‌اللون بود، و شاعرانش عوفی و دیلمی، و دربانش عثمان بن سعید، و نقش خاتمش: «الله ربی و هو عصمتی من خلقه» و معاصرینش از خلفا: واثق و آنگاه متوکل و منتصر و مستعین. [۲۲]. [صفحه ۲۵۴] از کرامات آن حضرت، از اسباطی مروی است که گفت: از عراق برفتم و در مدینه‌ی شریفه به حضور حضرت امام علی الهادی سلام الله تعالی علیه نایل گشتم، مرا فرمود: ترا از واثق چه خبر؟ گفتم او را در کمال عافیت به جا گذاشتم، و من از نزدیکترین کسانم به وی، و از نزد وی می آیم او را در نهایت صحت تودیع کرده‌ام. فرمود: مردم گویند که وی مرده است. چون فرمود مردم گویند که وی مرده است دانستم منظور خودشان می باشد. لمحیی خاموش ماند، و آنگاه فرمود: ابن الزیات چه می کند؟ گفتم خلق با اویند و امر امر اوست. فرمود: این کار به روی شامت داشت. سپس فرمود: ناچار مقدرات و احکام حق سبحانه و تعالی می باید جریان خود را طی کند. این جریان، واثق بمرد، و جعفر متوکل به خلافت نشست. و ابن الزیات کشته شد. گفتم: کی؟ فرمود: شش روز بعد از خروج شما. چند روز نبرد که قاصد متوکل به مدینه رسید. و چنان بود که امام فرمود. [۲۳]. سبب تبعید امام ابوالحسن علی الهادی سلام الله تعالی علیه از مدینه طیبه به سامراء آن بود که عبدالله بن محمد نایب حرب و صلاه خلیفه در مدینه نزد متوکل از آن حضرت سعایت نمود. و در صدد اذیت و آزارش بود. خبر سعایت وی به امام هادی علیه السلام رسید و در [صفحه ۲۵۵] این باره نامه به متوکل نوشت و از سوء قصد عبدالله بن محمد نسبت به خود شکوه کرد، متوکل جوابی خوش برای آن حضرت مرقوم داشت. و از آن حضرت عذر خواست و سخن نرم گفت و دعوتش کرد که به حضور وی تشریف ببرد و در قول و فعل حیلها بکار برد، چون نامه‌ی وی به امام هادی علیه السلام رسید بلافاصله جهاز رحیل بست و به سوی بغداد به راه افتاد. و یحیی بن هرثمه بن اعین مولای امیرالمؤمنین که به انتصار نتیجه نامه‌ی مزورانه‌ی متوکل نشسته بود با امام به راه افتاد و جمعی سپاهی با وی بود، و گرد امام هادی را گرفتند تا به سامرا رسید و در خانی به نام خان الصعالیکی نزول فرمود، و در آنجا بود تا آنکه متوکل خانه‌ی نیکو برایش تخصیص نمود و بدانجا تشریف برد، و در آنجا به ظاهر هر حال مکرماً معظماً مبعجلاً می زیست و متوکل در باطن امر مشغول غائله سازی علیه آن حضرت بود و خدا نمی خواست. [۲۴]. وفات آن حضرت پنج روز مانده به آخر جمادی الاخر سال دویست و پنجاه و چهار، و اولادش عبارت بودند از محمد، حسن، جعفر، و عایشه. نورالابصار ص ۱۶۵ / ۱۶۶.

باورقی

[۱] وفيات الاعیان ۳ / ۲۷۲. الفصول المهمة ص ۲۷۷. الصواعق المحرقة ص ۲۰۶.

[۲] كشف الغمة ۳ / ۲۳۰. سبائك الذهب ص ۷۷. ينابيع المودة ص ۳۶۵. الفصول المهمة ص ۲۷۸.

[۳] شواهد النبوة ص ۱۱۲. ينابيع المودة ص ۱۴۳.

- [۴] المعارف ص ۳۹۳. تاریخ الخلفاء ص ۳۳۳.
- [۵] تاریخ الیعقوبی ۲ / ۵۰۳. الصواعق المحرقة ص ۲۰۶. الاتحاف ص ۱۷۸. ینایع الموده ص ۳۸۶.
- [۶] تاریخ بغداد ۱۲ / ۵۶. تذکره الخواص ص ۳۲۲. وفيات الاعیان ۳ / ۲۷۲. الفصول المهمة ص ۲۷۷.
- [۷] تذکره الخواص ص ۳۲۲. كشف الغمة ۳ / ۲۳۰. الفصول المهمة ص ۲۲۷.
- [۸] تذکره الخواص ص ۳۲۳. الفصول المهمة ص ۲۲۷. کفایة الطالب ۲۳۶. وفيات الاعیان ۳ / ۳۷۲.
- [۹] شواهد النبوة ص ۱۱۲.]
- [۱۰] الفصول المهمة ص ۲۷۸. شواهد النبوة ص ۱۹۳. نورالابصار ص ۳۳۵.
- [۱۱] الارشاد، ص ۳۲۹. الفصول المهمة ص ۲۸۱ و ۲۸۲. شواهد النبوة ص ۱۹۳ و ۱۹۴.
- [۱۲] سورة الشعراء، آیه ۲۲۷.
- [۱۳] شواهد النبوة ص ۱۹۴.
- [۱۴] شواهد النبوة ص ۱۹۴.
- [۱۵] شواهد النبوة ص ۱۹۴.
- [۱۶] شواهد النبوة ص ۱۹۴.
- [۱۷] شواهد النبوة ص ۱۹۴.
- [۱۸] شواهد النبوة ص ۱۹۵.
- [۱۹] شواهد النبوة ص ۱۹۵.
- [۲۰] شواهد النبوة ص ۱۹۵.
- [۲۱] موالید الائمة، لابن خشاب ص ۱۳۲.
- [۲۲] نورالابصار ص ۳۳۴.
- [۲۳] الارشاد ص ۳۲۹. روضة الواعظین ص ۲۴۴. تذکره الخواص ص ۳۷۴. نورالابصار ص ۳۳۵. وسیلة النجاة ص ۴۰۵.
- [۲۴] روضة الواعظین ص ۲۴۴. نورالابصار ص ۳۳۶.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰-۰۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

